

هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی در قرآن و حدیث با تأکید بر تربیت اخلاقی

چکیده

«اخلاق شادی» به مطالعه‌ی ارزش‌های حاکم بر فعل شادی می‌پردازد که در سه حوزه؛ رابطه‌ی انسان با خدا، خود و دیگران بحث می‌کند. ارزش‌های حاکم بر ارتباط انسان با دیگران در مقوله‌ی شادی، هنجارهای اجتماعی حوزه‌ی اخلاق شادی هستند که در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع قرآنی و اخلاقی و با رویکرد تربیتی مورد مطالعه قرار گرفته و در پاسخ به این سوال بوده که هنجارهای اجتماعی در اخلاق شادی اسلام با تأکید بر تربیت اخلاقی کدام‌اند؟ یافته‌های تحقیق نشان داد؛ انسان مومن برای داشتن شادی سالم، تکالیف اخلاقی خاصی در قبال دیگران دارد و باید به هنجارها التزام داشته باشد. هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی از دیدگاه آیات و روایات عبارتند از: دادگری، نیکی، خیرخواهی، شاد کردن دیگران، سپاسگزاری، تواضع، حیا، وقار و موعظه. اخلاق شادی به عنوان یکی از مسائل اخلاق کاربردی جهت پیاده سازی در فرایند تربیت اخلاقی قرار می‌گیرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۶

از صفحه ۱۰۹ تا صفحه ۱۲۶

سیدضیاءالدین علیاناسب

دانشیار، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم.

z.olyanasab@hmu.ac.ir

سیدمرتضی علیاناسب

دانشجوی دکتری، اخلاق اسلامی، دانشگاه

تهران. (نویسنده مسئول)

smolyanasab@ut.ac.ir

سیدمجید نبوی

دانش آموخته دکتری، قرآن و حدیث،

دانشگاه اراک.

majidnabavi1366@gmail.com

آمنه شاهنده

استادیار دانشگاه پیام نور خوی.

shahande_a@pnu.ac.ir

واژگان کلیدی:

اخلاق کاربردی، تربیت اخلاقی،

اخلاق شادی، هنجارهای اجتماعی،

شادی در اسلام.

۱۰۹

دوفصلنامه علمی- پژوهشی

آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث

دوره ۷ : شماره ۱

۱. مقدمه

از دیدگاه اخلاق اجتماعی اسلام، انسان در همه حال به ویژه حال خوشی و گشایش زندگی، نسبت به دیگران مسئولیت دارد. هنجارشناسی اجتماعی شادی به بیان بایسته‌های اخلاقی هنگام شادمانی در برابر افراد دیگر می‌پردازد. در حوزه اخلاق شادی، دو محور هنجارشناسی و آسیب‌شناسی طرح شده است. هنجارها در سه حیطه‌ی رابطه‌ی انسان با خدا، خود و دیگران قابل مطالعه هستند.

درباره‌ی اهمیت و ضرورت هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی باید گفت که هیجان شادی، مستعد بروز بعضی از رذایل اخلاقی است و هنجارها باید به‌عنوان معیاری در مسیر تربیت اخلاقی تبیین شوند. برخی افراد به سبب نبود آموزش‌های لازم در این زمینه، هنگام شادی، حقوق دیگران را نادیده می‌گیرند و تکالیف اخلاقی خویش را رعایت نمی‌کنند یا به‌طور اشتباه و ناقص انجام می‌دهند. نبود مطالعه‌ی علمی در این باره موجب می‌شود هرکسی به سلیقه‌ی خویش، روشی را در پیش گیرد و فرهنگ، اخلاق و تربیت را دچار هرج‌ومرج می‌سازد.

این تحقیق می‌تواند ارزش‌های حاکم بر تربیت در حوزه اخلاق شادی را به شکل علمی، بر اساس آیات و روایات تبیین کند و کاربردی شدن آن‌ها در هنگام شادی را از سوی مربیان اخلاق آسان گرداند تا روابط انسان‌ها در مواقع شادی، در مسیر اخلاقی قرار گیرد. نتایج پژوهش برای متولیان فرهنگ و تربیت، معلمان و مربیانی که به دنبال یادگیری در فضای شاد هستند، قابل استفاده خواهد بود.

این پژوهش درصدد این است که علاوه بر شناسایی و آموزش مسئولیت‌های اخلاقی شخص شادمان نسبت به سایر افراد، به این پرسش پاسخ دهد که در حوزه اخلاق شادی با رویکرد تربیتی از دیدگاه اسلام، چه هنجارهای اجتماعی وجود دارد و این هنجارها چه تأثیری بر زندگی اجتماعی می‌گذارند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی پیشینه‌ی پژوهش باید گفت که حوزه اخلاق شادی یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی و مسائل اخلاق هنجاری است. با اینکه بسیاری از آیات و روایات مربوط به فرح و شادمانی، به مباحث این حوزه مربوط می‌شود؛ اما کمتر مورد دقت و تحلیل قرار گرفته است، هرچند پژوهش‌های ارزشمندی چون مقاله‌ی صادقی حسن‌آبادی با عنوان «غم و شادی در تجربه‌ی دینی مولوی» (۱۳۸۶)، پژوهش فعالی با عنوان «نقد دینی فلسفی بر مؤلفه‌ی شادی در معنویت‌های نوظهور» (۱۳۸۹) و مقاله‌ی زینی ملک‌آباد و همکاران با عنوان «جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات» (۱۳۹۰)، به بررسی این متون اقدام کرده‌اند؛ اما از زاویه‌ی اخلاق شادی مطالعه نشده است.

علی دهقان و همکاران (۱۳۹۱) در «شادی‌گرایی و جنبه‌های تعلیمی آن در غزلیات شمس»، شادی‌گرایی و جنبه‌های تعلیمی آن در غزلیات شمس را مورد پژوهش قرار داده‌اند. نتایج مقاله بیانگر آن است که مولانا عارفی شادی‌گرا بوده و از ویژگی‌ها و کارکردهای تعلیمی شادی برای

بسط و ارائه‌ی اندیشه‌های اخلاقی و معنوی خویش بهره گرفته است. تعلیم شادی باعث زندگی، حرکت و شادابی و افزایش بهره‌وری می‌شود. افرادی که از حسن خلق برخوردارند، در تعلیم و تربیت موفق‌اند.

حسین‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «اثربخشی "نظریه‌ی شادکامی اسلامی" بر شادی زنان متأهل شهر اصفهان»، اثربخشی این نظریه را بر شادی زنان متأهل شهر اصفهان مطالعه کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ارائه‌ی دستورهای رفتاری و عملی اسلام، همچنین آموزش‌هایی که در حوزه‌ی رضامندی به این زنان ارائه شده، با مثبت کردن شناخت و باور آنان نسبت به زندگی و ایجاد سبک‌های رفتاری نشاط‌برانگیز، هیجان مثبت و شادی را در آنان افزایش داده است. هیچ‌یک از مقالات بالا معیارهای لازم برای یاددهی و آموزش به متربیان را مطرح نکرده‌اند، درحالی‌که مخاطبان نیازمند معیارهایی در شرایط گوناگون هستند تا ارزش‌های اخلاقی را عملی سازند و این مهم جز با شناسایی این هنجارها و به‌کار بستن آن در امر تربیت به‌دست نمی‌آید. اخیراً در مطالعات علی‌انساب و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «اصول اخلاقی شادی از دیدگاه آیات و روایات»، اصول اخلاقی شادی در ارتباط انسان با خدای متعال تبیین و ارائه شده است که زهد، توکل، شکر، بیم و امید و صبر بعضی از اصول اخلاقی ایمان‌بنیان شادمانی از نگاه قرآن و روایات است. همچنین علی‌انساب و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش دیگری با عنوان «آسیب‌های اخلاقی شادی از منظر قرآن»، به آسیب‌شناسی شادی پرداخته و یافته‌اند که تکبر، زیاده‌روی، غفلت، بی‌بندوباری، سرمستی و سرکشی ازجمله رذایل اخلاقی شادی هستند.

پژوهش حاضر در تکمیل مطالعات یادشده در اخلاق شادی است. بایسته‌های اخلاقی هیجان شادی در ارتباط انسان با دیگران برای دست یافتن به شادی سالم و عاری از آسیب‌های اخلاقی، در تکمیل پژوهش‌های پیشین صورت می‌گیرد. مقاله‌ی نامبرده به اصول اخلاقی شادی در ارتباط با خدا اختصاص داشت؛ اما این پژوهش هنجارهای اخلاقی شادی را در برابر سایر افراد جامعه با رویکردی تربیتی و کاربردی بررسی می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث لازم است که مفاهیم مدنظر تعریف شوند؛ سپس به بحث پرداخته گردد. در ادامه، برخی مفاهیم مانند اخلاق شادی و هنجارها تعریف می‌شود.

۳.۱. اخلاق شادی

اخلاق، منطق رفتار است و تربیتی باید قادر باشد آن را بر اوضاع و احوال گوناگون زندگی خود تطبیق دهد (داودی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۳). اخلاق شادی یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی است که به مطالعه‌ی کاربرد علم اخلاق اسلامی در مسائل اخلاقی شادی می‌پردازد. بر اساس این، اخلاق شادی عبارت است از: «کار بست فضایل و رذایل مربوط به شادی و راه‌های اکتساب و اجتناب از آن‌ها» (علیانساب و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۴). برای رسیدن به شادی سالم و دوری از شادی ناهنجار، باید‌ها

و نباید‌های اخلاقی شادی آموزش داده می‌شوند.

۲.۳. هنجارها

هنجارها و آسیب‌ها تعیین‌کننده‌ی بایدونباید‌های شادی هستند. هنجارها در بستر عنوان کلی‌تری به نام «اخلاق شادی»، ارزش‌های حاکم بر فعل شادی را می‌آموزند و سه رابطه‌ی انسان با خدا، خود و دیگران را شامل می‌شوند. تعلیم ارزش‌های حاکم بر ارتباط انسان با دیگران در مقوله‌ی شادی، هدف هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی است.

آسیب‌های اخلاقی رذایلی هستند که غالباً احتمال می‌رود افراد در هنگام شادی به آن‌ها دچار شوند. انجام این آسیب‌شناسی و آموزش و معرفی آن به افراد بخش دیگری از رسالت اخلاق شادی است تا از گرفتاری در چنین رذایلی اجتناب ورزند و به شادی پاک و سالم دست یابند (همان، ۱۳۹۶، ص ۳).

۴. ارتباط اخلاق کاربردی با تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی زمینه‌های آموزشی و پرورشی ویژه‌ای را برای شکوفایی ارزش‌های اخلاقی فطری فراهم می‌کند. درباره‌ی رابطه‌ی میان اخلاق و تربیت اخلاقی باید گفت: تربیت اخلاقی به قلمرو خاصی از تربیت اشاره دارد که آن را از عرصه‌های تربیت جدا می‌کند، عرصه‌هایی چون تربیت اجتماعی، تربیت دینی، تربیت عاطفی، تربیت جنسی و تربیت بدنی. تربیت اخلاقی عهده‌دار درونی‌سازی فضایل با روش‌های علمی و متناسب با متریان است. داوودی در کتاب سیره تربیتی پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع)، با اذعان بر مشکلات عمده در آموزش اخلاق برای به‌کار بستن در موقعیت‌های مختلف، به این مهم اشاره دارد که چگونه می‌توان آموزه‌های اخلاقی را به‌متربی آموزش داد تا در موقعیت‌های گوناگون بدون نیاز به مربی، وظیفه‌ی اخلاقی خود را تشخیص دهد و بر اساس آن عمل کند. وی معتقد است: بیان معیارهای عملی در کنار تبیین قواعد کلی اخلاقی، راهکاری است که معصومان مطرح کرده‌اند (داوودی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۴). این دغدغه‌ی تربیتی موردتوجه دانشمندان اخلاق بوده است. اخلاق کاربردی به دنبال کاربست نظریه‌ی اخلاقی در مسئله‌هایی است که در شرایط متفاوت زندگی برای افراد پیش می‌آید (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۱۸)، چنان‌که تربیت اخلاقی نیز درصدد شکوفاسازی استعداد اخلاقی متریان و بروز آن در این‌گونه موقعیت‌هاست.

دو مفهوم اخلاق کاربردی و تربیت اخلاقی اشتراکات غایی دارند. هنجارهای اخلاقی این قابلیت را دارند که نوعی محتوای تربیتی باشند. تربیت نیز جنبه‌ی ابزاری و آلی برای عملی کردن ارزش‌های اخلاقی دارد. محتوای تربیت جایگاه ویژه‌ای در فرایند تربیت دارد و منظور از محتوا مجموعه‌ی فعالیت‌ها و آموزه‌هایی است که مربی برای اثرگذاری بر متربی به‌کار می‌گیرد. «محتوا از دو بخش فعالیت‌ها و رفتارهای تربیتی و آموزه‌ها و مواد آموزشی شکل می‌گیرد» (ضرابی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). تعامل محتوایی تربیت با فقه به دو بعد آموزش احکام شرعی و اظهارنظرهای فقهی درباره‌ی فعالیت‌های تربیتی خلاصه می‌شود؛ اما محتوای اخلاق ابعاد گسترده‌ای دارد. در صورتی‌که اخلاق در هر یک از شاخه‌های کاربردی‌اش

تصور شود، مسیر تربیت اخلاقی نیز به همان مسئله جهت خواهد یافت. همان‌طور که اشاره شد، این محتوای اخلاقی باید در فرایند پیچیده‌ی تربیتی قرار بگیرد تا اهداف مدنظر به‌دست آید. نویسنده‌ی کتاب معنی و حدود علوم تربیتی می‌نویسد: ویژگی‌های شرایط خاص محیط اجتماعی مانند روستا یا شهر بزرگ یا کوچک و نیز محیط خانوادگی مثل ساخت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و ابعاد خانواده، در عمل تربیتی منعکس می‌شوند (میالاره، ۱۳۷۵، ص ۲۸). پیچیدگی شرایط جامعه‌ی امروز، ضرورت این تعامل را برای توفیقات در عرصه‌ی تعلیم و تربیت اخلاق اقتضاء می‌کند و چه‌بسا روزی مریدان اخلاق نیز به‌سوی تخصصی شدن در موضوعات خاص حرکت کنند.

در حیطه‌ی تربیت دینی و اخلاقی نیز می‌توان مدعی شد؛ از آنجاکه همه‌ی ابعاد زندگی بشر به‌عنوان فعلی اختیاری و قابل ارزشیابی اخلاقی، در نظام اخلاقی اسلام قرار می‌گیرند، اخلاق با این نگاه کلان همه‌ی ابعاد و ساحت‌های تربیت را دربرمی‌گیرد و می‌تواند محتوای تربیت قرار بگیرد. این نگاه با معنای عام تربیت هم‌پوشانی دارد: «تربیت به‌عنوان فرایند، واقعیت بسیار عامی است که در همه‌ی سنین زندگانی و در همه‌ی اوضاع و احوال حیات انسانی به چشم می‌خورد» (همان، ص ۳). به نظر می‌رسد تنها، تربیت این قابلیت را دارد که اخلاق را پیاده سازد.

نتیجه آنکه اخلاق شادی به‌عنوان یکی از مسائل اخلاق کاربردی باید در دستگاه تربیت اخلاقی قرار بگیرد. هنجارهای ذیل می‌توانند در مسیر اهداف تربیت اخلاقی، شادی را به‌گونه‌ای جهت‌دهی کنند تا همان‌گونه که محققان عرصه تربیت نیز علاقه‌مندند، داشتن حس شادی به پیامدهای مثبتی مانند کارایی و تصمیم‌گیری دقیق بینجامد. نتایج تحقیقات نشان داده است عاطفه‌ی مثبت سبب دقت در کار، قدرت انتخاب، توانایی حل مسئله‌ی خلاق و انعطاف‌پذیری می‌شود و شخص به‌آسانی بر مسائل دشوار فائق می‌آید (ضرابی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۸). اخلاق شادی از لحاظ نظری، چالش‌های پیش روی مقوله‌ی شادی را بررسی و شناسایی می‌کند و نتایج آن‌چنان مسیری مهیا برای عملیاتی شدن به تربیت اخلاقی نیازمند است. تربیت هدفمند در مقوله‌ی شادی با پیاده‌سازی هنجارهای شناسایی‌شده در اخلاق شادی به افزایش بهره‌وری اخلاقی و اجتماعی شادی می‌انجامد.

۵. هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی

از دیدگاه اخلاق اجتماعی اسلام در مقوله‌ی شادی، انسان علاوه بر خدا و خویشان، نسبت به دیگران نیز تکالیف اخلاقی دارد و نمی‌تواند بدان‌ها بی‌تفاوت باشد. قارون سرمست شادی و فخر فروشی در میان مردم بود. اطرافیان او را از این‌گونه شادی نهی کردند: «إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (قصص: ۷۶)؛ آنگاه که قوم وی بدو گفتند: شادی مکن که خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد»؛ و برخی هنجارهای اخلاقی را به او یادآور شدند: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (همان: ۷۷)؛ و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم

خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.» قرآن کریم درصدد تربیت انسانی است که با بهره گرفتن از دنیا، برای سرای ابدی تلاش کند. بهترین شیوهی آن، احسان به بندگان خدا و پرهیز از ظلم و طغیان است. این آیه منشور تربیت اخلاق اجتماعی شادی است که تکلیف اخلاقی احسان را بر دوش شادی‌کنندگان قرار داده است تا همه‌ی رفتارهای مربوط به هیجان شادی بر اساس اخلاق و نیکی به دیگران و نه با تجاوز به حقوق آنان انجام بگیرد. احسان و نیکی به دیگران به معنای عام و تجاوز نکردن به حقوق آنان در مصادیق گوناگونی بروز می‌کند. اینک هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی از دیدگاه آیات قرآن و روایات معصومان^(ع) کاوش می‌شود:

الف. دادگری

دادگری در برابر انسان‌ها یک هنجار اجتماعی است که به‌طور خاص، زمان تمکن و خوشی ضرورت می‌یابد. هنگامی که انسان شاد است، این شادمانی نباید او را به طغیان و ظلم به دیگران وادارد و سعی در آزار دیگران داشته باشد. عدالت در حالت خشنودی و غضب، يك وظیفه‌ی دینی و انسانی است که در روایات بر آن تأکید شده است. رسول خدا^(ص) فرمود: «المُسْلِمُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ لَسَانِهِ وَ يَدِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۹۵)؛ مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان وی ایمن باشند.» عدالت عبارت است از خودداری کردن از ستم و برطرف کردن آن و بر راه راست بودن و برپاداشتن حق هرکسی (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۲۵۶ - ۲۵۷). اینجا عدالت در معنای اخص خود و در برابر جور قرار دارد که مترادف اذیت دیگران و زیان رساندن به دیگری است و شامل کشتن، اذیت کردن، دشنام، تهمت، غیبت، گرفتن مال کسی، غارت، غضب، دزدی و مانند این‌ها می‌شود.

از دیدگاه پژوهشگران تربیت اخلاقی، تحول درونی آدمیان لازمه‌ی قسط و عدل است و پیامبران در تلاش بودند با ایجاد خودشناسی، افراد را به خداشناسی برسانند تا بدین‌گونه مظهر اسما و صفات خداوند گردند (شاملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴۴) و امر خدا را گردن نهند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ (نحل: ۹۰)؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم بازمی‌دارد.» شادی در صورتی که همراه با عدالت‌ورزی نباشد، شخص شادمان از روی غرور و سرکشی، به حریم و حقوق دیگران تعرض و تعدی می‌کند؛ همچون قارون که در زمین بغی و سرکشی کرد و مردم به او گفتند که شادمان و سرمست مباش! قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه‌ها آن‌قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن‌ها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد. آنگاه که قوم وی بدو گفتند: «شادی مکن که خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» (قصص: ۷۶). بغی به معنای عام، مطلق علو و گردن‌کشی را می‌گویند که یا در ضمن یکی از کارهای کبرآمیز یا در ضمن ستم و تجاوز به دیگری تحقق می‌پذیرد. از آنجاکه ظلم و تعدی به دیگران و ذلیل کردن مؤمنان از راه قهر و غلبه، از مهلکات بزرگ است، (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۱)، رسول خدا^(ص) فرمود: «إِنَّ أَعْجَلَ الشَّرِّ عَقُوبَةً الْبَغْيُ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۲۷)؛ عقوبت بغی، زودتر از عقوبت هر بدی دیگری می‌رسد.» علی^(ع)

از بی‌توجهی به امور نیازمندان و غرق شدن در نعمت پرهیز می‌دهد و به مالک اشر می‌فرماید: «در هر صورت، رعایت حق هر یک از ایشان (مردم) از تو خواسته شده است؛ پس نشاط و فرورفتن در نعمت تو را از توجه به آنان باز ندارد» (نهج البلاغه، ص ۳۰۰). حضرت در همان نامه، بر این قاعده‌ی تربیتی و اخلاقی تأکید می‌کند که حتی اگر از هم‌کیشان تو هم نبودند، در انسانیت با تو مشترک و هم‌نوع تو هستند؛ در نتیجه، به هنگام شادی نباید بغی و ظلم و ناعدالتی نسبت به دیگر افراد داشت؛

بنابراین، یکی از هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی دادگری و عدالت است و فرد به هنگام شادی نباید از عدالت خارج شود. عدالت به‌خودی‌خود آرامش و شادی‌آفرین است و در مقابل، ظلم و ناعدالتی سبب اضطراب و غم و ناراحتی افراد می‌گردد.

ب. نیکی

توجه به امور مسلمانان و رسیدگی به مشکلات و نارسایی‌های جامعه‌ی اسلامی از وظایف همه‌ی مؤمنان به‌ویژه در حال رفاه و گشایش در زندگی است. این مسئولیت‌های سنگین‌تر می‌شود که انسان در شرایط مساعد و اقبال دنیا باشد؛ و آن‌گونه که او به انسان نیکی کرده، آدمی نیز موظف است بر بندگان خدا نیکی کند (قصص: ۷۷). خداوند به‌صورت عملی و ارائه‌ی الگو، آدمی را تربیت کرده است. قرآن نیکی به دیگران در گشایش و سختی را از ویژگی‌های نیکوکاران شمرده است: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل‌عمران: ۱۳۴)؛ همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. «این ویژگی اخلاقی در روایات معصومان، از نشانه‌های جواهری شمرده شده است. «از امام حسن^(ع) سؤال شد: جواهری چیست؟ فرمود: بخشش در خوشی و سختی بر انسان شایسته است؛ قِيلَ فَمَا السَّمَّاحُ قَالَ الْبَدَلُ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲۸). هنگامی که انسان به خوشی و فراخی دست می‌یابد، از نعمت‌های الهی به دیگران نیز عطا کند و نسبت به بدن‌ها بخل نرزد و امکانات زندگی را در مسیر خدمت به خلق قرار دهد.

نیکی به دیگران در حال خوشی و شادی، مصادیق گسترده و شیوه‌های متنوعی دارد. به‌تصریح قرآن کریم: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج: ۲۴-۲۵)؛ همانان که در اموالشان حقی معلوم برای سائل و محروم است؛ زیرا انفاق به دیگران برجسته‌ترین مصداق و تنها راه رسیدن به نیکوکاری است که از نگاه قرآن کریم، «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل‌عمران: ۹۲)؛ هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید. انفاق از دارایی‌های محبوب نه منفور، تنها راه دست‌یابی انسان به مقام بر و نیکی است. انجام بسیاری از این واجبات مالی که خداوند بر گردن مسلمانان دارای شرایط و تمکن مالی نهاده است، مستلزم فضیلت اخلاقی سخاوت است. اگر ادای حقوق مالی که بر عهده‌ی مؤمن برای نیازمندان است، با خوشحالی و خشنودی قلبی و بدون مشقت باشد، آن شخص سخی است (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۰)، برخلاف افراد لئیم که تنها از مادیات لذت

می‌برند و کمتر بهره‌ای از صفات انسانی دارند. انسان‌های باکرامت از اعمال نیک و سخاوتمندانه مسرور می‌شوند و از آن لذت روحی می‌برند. حضرت علی^(ع) در این باره می‌فرماید: «مَسْرَّةُ الْكِرَامِ فِي بَدْلِ الْعَطَاءِ وَ لَذَّةُ اللَّئَامِ فِي الطَّعَامِ (ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۶۸)؛ شادی افراد با کرامت در بذل و بخشش است و لذت افراد لئیم در خوردن است»؛ از این رو، کریمان بذل و بخشش و دستگیری از درماندگان و مستمندان را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار می‌دهند و شیرینی زندگی را در شادی دیگران می‌جویند. این فضیلت مهم به‌ویژه در مقاطع گشایش و ترقی زندگی انسان که از پرتو آن آسایش و رفاه و شادی نصیب صاحبش می‌گردد، اهمیت بیشتری دارد؛ به عبارت دیگر، بخشندگی و نیکی سبب شادی و بخل و خساست سبب غمگینی افراد جامعه می‌شود و ضرورت دارد که افراد جامعه به‌سوی بخشندگی و نیکی حرکت کنند و از بخل بپرهیزند.

ج. خیرخواهی

شادی انسان باید همراه با خیرخواهی برای بندگان خدا باشد و از گرفتاری آنان شاد نگردد. از دیدگاه تربیت اسلامی، معیار در خیرخواهی این است که آنچه برای خود می‌پسندد، برای دیگری نیز بخواهد و آنچه برای خود نمی‌خواهد، برای غیر هم نخواهد: «فَأَحِبِّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱). این ویژگی در وصیت‌نامه‌ی تربیتی علی ع به فرزندش، میزانی میان نفس آدمی و دیگران معرفی شده است. خیرخواهی یعنی خواست دوام و بقای نعمت خدا برای برادر مسلمان خود که خیر او در آن است و ناخوش داشتن رسیدن بدی به آنان (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵). در صورتی که در دیگران شادی و نعمت را می‌بیند و خود از آن محروم است، نباید آرزوی زوال آن را از دیگران داشته باشد که این حسد است و موجب درد و رنج خود شخص می‌شود. قرآن کریم چنین کسانی را سرزنش کرده و فرموده است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نساء: ۵۴)؛ بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده، رشک می‌ورزند». این حالت بدترین معصیت است که انسان از بخشش الهی بر بنده‌ی خویش خشم بگیرد و حسدورزی کند. چنین کسانی شادی خود را در گرفتاری و مشکلات بندگان خدا و مؤمنان می‌جویند و از موفقیت آنان اندوهگین می‌شوند؛ بنابراین، قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا (آل عمران: ۱۲۰)؛ اگر به شما خوشی رسد، آنان را بدحال می‌کند و اگر به شما گزند رسد، بدان شاد می‌شوند.» این‌گونه انسان‌ها از موفقیت و خوشحالی دیگران حال ناگواری پیدا می‌کنند و شادی‌شان در مصیبت و اندوه مردم است، در حالی که انسان اگر خواستار نعمتی هم باشد، باید آن را برای خود آرزو کند، بدون آنکه آرزوی زوال آن از دیگری را بخواهد.

بهترین نمونه‌ی این خیرخواهی، مؤمنانی هستند که این‌گونه موردستایش خدای متعال اند: «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَكُوْنًا بِهَمِّ خَصَاصَةً وَمَنْ يَقْشَعِ نَفْسَهُ فَوَلِّبْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر: ۹)؛ هرکس را که به‌سوی آنان کوچ کرده است، دوست می‌دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هرچند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنان را بر خودشان مقدم می‌دارند و

هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشان‌اند که رستگاران‌اند. مؤمن حتی اگر نمی‌تواند در این مسیر گامی بردارد، باید در دل خویش، بهترین‌ها را برای دیگران آرزو کند و حسدی نداشته باشد. برپایی خوبی‌ها در جامعه یکی از مصادیق خیرخواهی است که قرآن کریم آن را از وظایف مؤمنان در زمان تمکن برشمرده است: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱)؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه‌ی کارها از آن خداست.» پیداست که مصادیق یادشده هرکدام بر وظیفه‌ی خیرخواهانه‌ی مؤمن در برابر افراد جامعه به هنگام توانایی تأکید دارند. این نوع خیرخواهی‌ها سبب شادی و احساس آرامش در افراد جامعه می‌شود که آیات و روایات بسیاری بر آن تأکید می‌کنند.

امیرمؤمنان^(ع) در سخن گهرباری، به یکدلی و خیرخواهی توصیه می‌فرماید و از بخشش و خیرخواهی میان برادران دینی به‌عنوان عامل شادی یاد می‌کند: «همانا شما برادران دینی یکدیگرید. چیزی جز درون پلید و نیت زشت شما را از هم جدا نساخته است؛ نه یکدیگر را یاری می‌دهید و نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید. شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌گردید و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید، اندوهناک می‌شوید» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۱۳)؛ زیرا نزاع و احساس محدودیت، در امور دنیوی و منافع مادی است، وگرنه در امر آخرت مانند علم و معرفت و میان اهل آن نزاعی وجود ندارد.

نراقی در این رابطه تحلیل جالبی دارد: علم با بسیاری علما، تنگ نمی‌شود و یک مطلب برای هزاران عالم معلوم می‌گردد و هریک از ایشان به معرفت خود شاد می‌شود و از آن لذت می‌برد و شادی و لذت یکی، از دیگری نمی‌کاهد (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۲۵۰). مولانا بر این باور است شادمانی، وارستگی، کرم و صبر را جایگزین حسد، ریا و بیماری می‌کند (دهقان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷). بنابراین، طلب شادی یا ابراز شادی باید با خیرخواهی نسبت به دیگران باشد نه با منع و آزرده‌ن آسان؛ زیرا منع و آزرده‌ن سبب ناراحتی افراد جامعه می‌شود و سبب شادی عده‌ای خاص می‌گردد و نه شادی همگانی که آیات و روایات بر آن تأکید دارند.

د. شاد کردن دیگران

تأکید بر شادی جمعی یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی نظام ارزشی اسلام در موضوع شادمانی است. این معیار برای تسهیل تربیت اخلاقی، اهمیت مضاعفی می‌یابد و چه‌بسا اثر فزاینده‌ای در مسیر تحقق اهداف تربیتی داشته باشد. در آموزه‌های اسلام، تنها به شادی فرد توجه نشده، بلکه بر شاد کردن دیگران و نشاط‌آفرینی در اجتماع به‌عنوان ارزش اخلاقی و انسانی تأکید شده است. پیداست که در پرتو شادی و نشاط جامعه، شادی‌های فردی نیز تأمین می‌شود؛ به عبارتی، شادی شخصی مفروض تلقی شده که هرکسی به‌طور عادی در پی کسب آن است و آنچه مورد تأکید است، بخشیدن شادی به همگان است. رعایت این هنجار اثر تربیتی بر خود انسان و جامعه دارد. اهل ایمان با بیرون شدن از مرتبه‌ی طبیعت حیوانی و وارد شدن در ساحت دیانت رحمانی و ظهور

فطرت الهی نمی‌توانند در زندگی اجتماعی‌شان فارغ از دیگران شاد باشند (دلشاد، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۸۵). مؤمنان باید همواره شاد و بانشاط باشند و با آرامش خاطر و آسایش به کار و تلاش بپردازند و دنیای خویش را آباد کنند و از دنیای سالم و آباد، آخرت پربار و خوش‌فرجام را به‌دست آورند. بنابراین، نفس نشاط اجتماعی و دوری از خمودگی، مورد توصیه‌ی دین اسلام است که با روش‌های متفاوت انجام می‌گیرد. اسلام روا نمی‌داند که عده‌ای در شادمانی و خوشی باشند، درحالی‌که گروهی در اندوه مشکلات به‌سر می‌برند؛ ازاین‌رو، اسلام به شاد کردن دیگران توصیه کرده و هزاران حسنه و پاداش برای این عمل در نظر گرفته شده است: «فَمَا ثَوَابٌ مَنْ أَدَخَلَ عَلَيْهِ السُّرُورَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَالْأَلْفِ حَسَنَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۹۲). انسان مؤمن شادی‌اش را با دیگران به اشتراک می‌گذارد، در تعامل با دیگران شادی‌اش در چهره‌های هویداست و غصه‌های دلش را پنهان می‌کند. انانیت خود را در آستان دوست سر بریده و به دنبال شادی و رفع اندوه دیگران است. با تبسم و لبخند، شادی را به دیگران می‌بخشد (فعالی، ۱۳۸۹، ص) و از همین رهگذر، خود نیز به شادی واقعی دست می‌یابد. مؤمن خوش‌رو و خوش‌برخورد است و عبوس و گرفته نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۷). خوش‌رویی و مزاح وسیله‌ای برای هدیه‌ی این پدیده‌ی ارزشمند به بندگان خداست.

این مهم در سیره‌ی تربیتی هادیان معصوم^(ع) چشمگیر است که همه‌ی تلاش خود را به‌کار می‌بردند تا اسباب غم و اندوه و گرفتاری مردم را برطرف کنند و طراوت و نشاط را بر جای افسردگی و خمودی بنشانند. شخصی به امام صادق^(ع) عرض کرد: «من مالیات فراوانی به استاندار فارس بدهکارم و از عهده‌ی پرداخت آن بر نمی‌آیم. اگر صلاح می‌دانید نامه‌ای به او بنویسید تا بر من سخت نگیرد.» امام نیز به استاندار نوشت: «برادرت را خوشحال کن تا خدا خوشحالت کند.» آن شخص نامه‌ی امام را به دست استاندار رساند. او نامه‌ی امام را بوسید و بر چشم نهاد و علاوه بر بخشش مالیات، اموال دیگری به آن مرد عطا کرد؛ سپس پرسید: «آیا تو را شاد کردم؟» گفت: آری! مرد دوباره به محضر امام^(ع) رسید و داستان را بازگفت. امام با خوشحالی فرمود: «به خدا سوگند! او علاوه بر من، خدا و پیامبرش را نیز مسرور ساخت» (همان، ص ۱۹۰). برآوردن حاجات برادران دینی موجب سرور و خوشحالی ایشان می‌شود و ثواب مسرور کردن برادر ایمانی نیز از حدّ و نهایت بیرون است. امام ششم شیعیان می‌فرماید: «هرکه مؤمن مضطری را در وقت گرفتاری او فریادری کند و او را با برآوردن حاجت یاری نماید و از غم برهاند، خدای - تعالی - برای او هفتاد و دو رحمت خود را می‌نویسد که یکی را در دنیا به او می‌رساند و به آن امر معیشت او را اصلاح می‌کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای روز قیامت و هول‌های آن روز ذخیره می‌سازد» (همان، ص ۱۹۹، ج ۱). شاد کردن دیگران تأثیر مضاعفی بر شادی اجتماعی دارد؛ زیرا علاوه بر شخص غم‌زده، خود شادکننده انبساط نفسانی می‌یابد و نیز موردعنایت و تفضل الهی قرار می‌گیرد و در دنیا و آخرت شادمان می‌شود.

از دقت در سیره و سخن اولیای الهی به این نکته می‌رسیم که شادی در صورتی خوب و ارزشمند است که آن را برای دیگران نیز بخواهیم و در این مسیر تلاش کنیم؛ بنابراین قرآن و روایات، نه تنها شادی را تجویز و توصیه می‌نمایند، بلکه آن را هدفمند، مطابق با اهداف متعالی و تربیتی انسان می‌دانند و برای شادی پایدار راهکارهای عملی ارائه می‌کنند. هنجار شادی‌بخشی به دیگران از

مؤلفه‌های مورد تأکید سیره‌ی تربیتی اولیای دین و ویژگی شادی سالم است.

م. سپاس‌گزاری از شادکننده

شخص شاد باید سپاس‌گزار شادکننده باشد. قدردانی و جبران از آن‌که شادت می‌کند، یکی از بایسته‌های اخلاقی و انسانی شادی است. امام عبادت‌پیشگان در رساله‌ی حقوق، ضمن آموزش حقوق افراد مختلف بر گردن شخص، این تکلیف اخلاقی سپاس‌گزاری را جزو حقوق شخص بخشنده و شادکننده عنوان کرده است: «و اما حق من سرک لله تعالی ان تحمد الله تعالی اولاً ثم تشکره (امام چهارم، رساله‌ی حقوق)؛ حق کسی که تو را خوش حال کند، آن است که به خاطر خدا، ابتدا شکر و سپاس خدا و سپس شکر آن شخص را به جای آوری و او را به خوبی یاد و دعا کنی.» سپاس در برابر لطف و خوبی دیگران گاهی به صورت یک رفتار متقابل رخ می‌دهد. امیرمؤمنان می‌فرمود: «کسی که نیکی را به مانند آنچه درباره‌اش شده است، پاسخ گوید، نیکی دیگران را تلافی کرده است و اگر نیکی را دوچندان کند، شکرگزاری کرده و کسی که شکرگزار باشد، کریم است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۷). در حالات پیشوایان بزرگ اسلام فراوان دیده شده است که گاه کمترین خدمت را با بزرگ‌ترین نعمت پاسخ می‌گفتند. داستان آزادی کنیز امام حسین^(ع) در برابر اهدای شاخه گلی به آن حضرت معروف است و امام در پاسخ به این پرسش که چگونه آزادی او در مقابل شاخه گلی قرار می‌گیرد، فرمود: «کذا اذینا الله (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۴۴، ص ۱۹۵)؛ خداوند ما را این‌گونه تربیت کرده است.» بخشش زندگی یک انسان، بهترین شکل قدرشناسی در برابر هدیه‌ی کنیز بود که از سوی امام انجام گرفت.

به سبب اهمیت این هنجار، در روایات معصومان، قدرشناسی از مخلوق در طول شکر خالق و بلکه به منزله‌ی زمینه‌ی شکر خدا قرار گرفته است. در روایت معروفی از امام رضا^(ع) می‌خوانیم: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۴)؛ کسی که بخشنده‌ی نعمت را از میان مخلوقان شکرگزاری نکند، شکر خدای متعال را به جا نیاورده است.» امام سجاد^(ع) می‌فرمود: «خدای متعال در روز قیامت از بنده‌اش سؤال می‌کند که آیا شکر فلانی را به جا آوردی و از او تشکر کردی؟ عرض می‌کند: نه، بلکه من شکر تو را نمودم. خدا می‌فرماید: تو که فلانی را شکر نکردی، مرا هم شکر ننمودی؛ سپس حضرت فرمود: سپاس‌گزارترین شما آن کس است که از مردم بیشتر تشکر کند» (همان، ص ۴۵). خدا در قرآن کریم صریحاً دستور قدردانی نسبت به بندگان را صادر کرده و آن را در کنار شکرگزاری از خودش قرار داده است. خداوند می‌فرماید: «ان اشکُرْ لی و لوالدیک الی المصیر (لقمان: ۱۴)؛ شکرگزار من و پدر و مادرت باش.» استاد محمدتقی جعفری فیلسوف مسلمان در این باره می‌گوید: «آن هنگام که شکر خدا را در مقابل نعمت‌هایش ادا می‌کنی، شکرگذار آن خواجه هم باش که نعمت الهی با دست او به طرف تو سرازیر گشته است. اگرچه مهر و محبت مادری از خدا است؛ ولی خدمت به او نیز واجب و شایسته است» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۹۰). وظیفه‌ی انسانی کسی که مشمول خوبی و عنایت شده، این است که در مقام شکرگزاری و سپاس برآید و با قلب و زبان و عمل از وی قدردانی کند. روشن می‌شود که شکرگزاری از مخلوق در ردیف شکر خالق قرار دارد.

انسان باید نسبت به کسی که از او خیری دیده است، ستایش و برای او دعا کند. البته نه به حدی که او را بیش از یک واسطه و در حد خود منعّم پندارد، بلکه باید او را وسیله‌ی رسیدن نعمت به خود بداند و از این جهت که خدا او را واسطه‌ی نعمت خود قرار داده، بر انسان حقی دارد. این امر منافات ندارد با آنکه انسان نعمت را از جانب خدا بداند و او را منعّم حقیقی بشناسد (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۴۶). از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که در روز رستاخیز، بنده‌ای را می‌آورند و در برابر خدا می‌ایستد و خدا امر می‌کند که او را به آتش ببرند. آن بنده می‌گوید: ای خدای من! امر فرمودی مرا به آتش ببرند، در صورتی که من قرآن خوانده‌ام؟! خداوند می‌فرماید: ای بنده‌ی من! به تو نعمت دادم، سپاسش را به جای نیاوردی. می‌گوید: ای پروردگار من! فلان نعمت را به من عطا فرمودی، سپاسش را گفتم و فلان نعمت را دادی، شکرش را به جای آوردم. بدین ترتیب نعمت‌های خداوندی و شکرهای خود را می‌شمارد. خدای متعال می‌فرماید: راست گفتی؛ اما سپاس کسی که نعمت را با دست او به تو رسانیده‌ام، به جای نیاورده‌ای. من با خود پیمان بسته‌ام که شکر هیچ بنده‌ای را در مقابل نعمتی نپذیرم، مگر آنکه سپاس کسی را ادا کند که نعمت را به وسیله‌ی او به آن بنده ارزانی داشته‌ام (قمی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۷۱۰). انسان به‌عنوان واسطه‌ی خیر از سوی پروردگار عالم، باید مورد سپاس قرار گیرد.

نتیجه می‌گیریم همان‌طوری که شادی‌بخشی به دیگران وظیفه‌ی اخلاقی هر مسلمان و از بایسته‌های شادی است، در برابر آن شخص بخشنده نیز باید قدرشناسی شود تا موجب تشویق شخص و تقویت رفتار وی و عمومی شدن این خصلت گردد.

ن. تواضع

آراستگی به صفت تواضع یکی از فضیلت‌های برجسته‌ی مؤمنان است. انسان باید هنگام خوشی و شادمانی‌ها، نسبت به دیگران احساس فروتنی داشته باشد و حس برتری پیدا نکند. داشته‌ها و امکانات مادی و معنوی موجب نشود که بر مؤمنان و سایر انسان‌ها حس برتری و رفتار متکبرانه داشته باشد. تواضع، شکسته‌نفسی و کوچک شمردن خود است و مانع می‌شود که آدمی خود را برتر و بالاتر از دیگران ببیند. اصل تواضع از بزرگ شمردن خداوند و درک هیبت و عظمت او نشأت می‌گیرد و حقیقت تواضع را بندگانی می‌فهمند که به وحدانیت خدا رسیده‌اند و خدا درباره‌شان می‌فرماید: «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (فرقان: ۶۳)؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند، به‌ملايمت پاسخ می‌دهند.» انسان متواضع در گفتار و کردار، دیگران را بزرگ و محترم می‌شمارد (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹). خدای عزوجل گرامی‌ترین خلق و سرور بندگان حضرت محمد^(ع) را به تواضع امر فرمود: «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء: ۲۱۵)؛ و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر و با آنان فروتن و مهربان باش.» توجه به بعد تربیتی این رفتار پیامبر ضروری است تا این فضیلت بیش و پیش از گفتار، در رفتار و عمل مربی به متربیان آموخته شود. این فروتنی به‌ویژه در هنگام خوشی و رفاه انسان اهمیت بیشتری می‌یابد که رسول مهربانی در سخنی بلند بدان توجه دادند: «طوبی لمن تواضع فی

غیر مسکنه (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۷۷، ص ۹۰)؛ خوشا به حال کسی که بدون نیاز و ذلت تواضع کند.» به تعبیر امام علی^(ع)، «دُو الشَّرَفِ لَا تُبَطِّرُهُ مَنَزِلَةٌ نَالَهَا وَ إِن عَظُمَتْ كَالجَبَلِ الذی لَا تُزَعِزُهُ الرِّیَاحُ وَ الدَّنِیُّ تُبَطِّرُهُ أَدْنی مَنَزِلَةٍ كَالکَلِّ الذی یُحَرِّكُهُ مَرُّ النِّسِیمِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۶۵)؛ افراد شریف اگر به منزلتی هرچند بزرگ برسند، از شادی تکبر نمی‌ورزند؛ مانند کوهی که بر اثر بادهای می‌جنبند و افراد پست با کمترین مقام از شدت شادی به غرور مبتلا می‌شوند؛ مانند گیاهی که گذر نسیمی او را به حرکت درمی‌آورد.» البته نمود رفتاری حس فروتنی نسبت به هرکسی و بسته به هر موقعیت و واکنشی، اندکی تفاوت می‌یابد تا حد وسط و میانه لحاظ شود.

عاملان تربیت حالت خضوع در برابر خدای متعال را یکی از مراحل شکرگزاری دانسته‌اند که نتیجه‌ی توحید در شادی است (شبر، ۱۳۷۸، ص ۳۷۶). پایه و رکن دوم شکر، حالتی است که در نتیجه‌ی معرفت و شناخت در انسان پدید می‌آید؛ یعنی حالت خضوع و فروتنی و احساس سرور و خوشحالی که این نعمت، هدیه و تحفه‌ای از سوی او است. این نگرش انسان را در برابر بندگان خدا نیز فروتن خواهد کرد و مانع سرکشی و غرور آدمی می‌شود.

کبر و عجب در برابر تواضع بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به اخلاق مؤمنانه است. خدای تعالی فرمود: «كَذَٰلِكَ یَطْبَعُ اللَّهُ عَلَی كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (غافر: ۳۵)؛ این‌گونه، خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مهر می‌نهد» و آدمی را از تواضع، کظم غیظ و پندپذیری محروم می‌کند و موجب خشم، کینه، حسد، غیبت، تمسخر و پست شمردن دیگران می‌شود (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۵). کسی که به سبب کمال و نعمتی، خود را بزرگ شمارد و بر آن‌ها تکیه کند و از یاد ببرد که آن نعمت و کمال از خداست، دچار عجب شده است. عجب نیز خود را بزرگ شمردن است؛ اما بدون مقایسه با دیگران. مُعْجِبٌ بر زوال نعمت خائف نیست و نسبت به آن مطمئن و سرمست است. عُجْبٌ به جمال و زیبایی، مال، قدرت، منصب، هوش و فکر و رای باید با یادآوری احتمال زوال آن علاج شود (همان، ص ۱۵۸-۱۶۳). نباید بر آن نعمت‌ها تکیه و اعتماد کرد، بلکه باید از زوال نعمت و دگرگونی آن ترسان باشد و شادی او بدین سبب باشد که این نعمتی خدادادی است و نباید نعمت را به خود نسبت ندهد.

بنابراین، آیات و روایات که توصیه کلی و همیشگی به تواضع دارند، به مؤمنان می‌آموزند که در همه حال، به‌ویژه به هنگام شادی تواضع داشته باشند و از حالت‌های تکبر و غرور بپرهیزند؛ زیرا شادی‌ای که در آن تواضع نباشد و کبر و غرور با آن همراه شود، ممکن است اسباب ناراحتی دیگران را ایجاد سازد و آیات و روایات تنها شادی‌ای را تأیید می‌کنند که با تواضع و نه تکبر باشند.

۲. حیا

فضیلت حیا از دیگر بایسته‌های اجتماعی شادی است که لازم است در تربیت دینی به آن توجه شود. حیا در رأس مکارم اخلاقی (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۰۸) و عامل تقویت متانت و ثبات نفس در شادمانی‌هاست. حیا به معنای محدودیت و در تنگنا افتادن نفس و شرم داشتن از ارتکاب محرمات شرعی، عقلی و عرفی از ترس نکوهش و سرزنش دیگران است (نراقی، ۱۳۶۸، ص ۳۵۴). رسول خدا^(ص) حیا را زینت آدمی شمرد و فرمود: «بی‌شرمی با هیچ‌چیز همراه نشد، مگر اینکه آن را زشت گردانید. حیا با

هیچ چیز همراه نگشت، مگر اینکه آن را آراست» (مفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۶۷). شادی همراه با حیا آراستگی اخلاقی دارد. امام علی^(ع) فرمود: «هر که پوشش شرم گزیند، کس عیب او نبیند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۳). حفظ حریم حیا در شادی کردن، شخص را از زشتی‌های فراوانی بازمی‌دارد که هنگام هیجان شادی، احتمال وقوع دارند. حیا کاربردهای فراوانی در شادی دارد که مانع لغزش انسان به سوی زشتی‌ها می‌شود. البته این شرم، تنها در اموری است که حقیقتاً ناشایست باشد و در غیر این موارد، حیای احمقانه و عاجزانه خواهد بود. زیاده‌روی در حرف و خنده در حضور دیگران یکی از مصادیق بی‌شرمی است: «مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ (همان، حکمت ۳۴۹)؛ آن‌کس که بسیار سخن می‌گوید، زیاد اشتباه می‌کند و آن‌کس که بسیار اشتباه کند، حیای او کم می‌شود و کسی که حیایش کم شد، پارسایی‌اش نقصان می‌گیرد.» پرحرفی لغزش‌های انسان را بسیار و حیا را کم می‌کند و شکسته شدن سد حیا که نتیجه‌ی بسیاری لغزش‌هاست، انجام رفتارهای خلاف اخلاق را برای شخص ساده می‌کند؛ به عبارت دیگر، داشتن حیا سبب می‌شود که فرد به هنگام شادی از لغزش‌ها دور گردد و همان‌طور که می‌دانیم، برخی از خنده‌ها و شادی‌ها بر مسائل بی‌حیایی اتفاق می‌افتد، درحالی‌که اگر حیا در فرد نهاده شده، فرد بر مسائل غیراخلاقی و بی‌حیایی شادی نمی‌کند. درنهایت باید گفت که صفت حیا مانع از ناهنجاری‌های شادی می‌گردد و آیات و روایات بسیاری بر این مسئله به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأکید دارند.

۵. وقار

اتکا بر عنصر عقلانیت و اندیشه در مقوله‌ی شادی، متانت و وقار را به بار می‌آورد که جزو شرایط تربیت اخلاقی شادی و از ثمرات خویشنداری در شادی است. «وقار و تأنی حالتی در دل است که باعث احتیاط و تأمل در امور، درنگ در گفتار و کردار است» (همان، ص ۱۳۷). وقار، نوعی آرامش و خویشنداری در هرگونه اقدامی است تا آنکه درستی آن کار بر فرد آشکار گردد. امام علی^(ع) در خطبه‌ی همام، شادی پرهیزگاران را چنین توصیف می‌کند: «شادی یا اندوه او را از جا به در نبرد و خرمی و نشاط او را سبک و بی‌وقار نکند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۶۷). این وقار از نشانه‌های خردمند تربیت‌یافته است. بر اساس روایات معصومان^(ع) میزان خرد مرد در لحظه‌های اوج شادمانی‌اش سنجیده می‌شود: «رَزَانَةُ الْعَقْلِ تُخْتَبَرُ فِي الْفَرْحِ وَالْحَزَنِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۳). یاهوگوئی و بیهوده‌سرایی با خردمندی ناسازگار است. کسانی که به امور بیهوده مشغول می‌شوند و با انجام کارهای بی‌فایده عمر خود را به بطلت می‌گذرانند، ثبات نفس و متانت رفتار ندارند.

کسی که به زیاده‌روی در مزاح و بذله‌گویی گرفتار باشد، از وقار او کاسته می‌شود؛ از این‌رو، پیشوایان دین زیاده‌روی در مزاح را همواره نکوهش کرده و آن را نشانه‌ی جهالت، حماقت و پستی دانسته‌اند. امام علی^(ع) نسبت به زیاده‌روی در مزاح هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «با ترک شوخی‌ها و حکایات خنده‌آور، وقار خود را حفظ کنید» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳۰، ص ۷۰). گاهی خندیدن بسیار و انجام حرکات و رفتارهای نامناسب در حضور افراد دیگر، وقار انسان را از میان می‌برد و این‌گونه که شادی و مزاح صحنه‌ی آزمایش وقار و متانت می‌گردد؛ در نتیجه، وقار مانع

ارتکاب رفتارهای ناپسند به هنگام شادی می‌شود. داشتن این صفت پسندیده آدمی را از دیگر صفات ناپسند به‌ویژه در هنگام شادی حفظ می‌کند.

ی. موعظه

موعظه کردن و موعظه شنیدن از بایسته‌های اخلاقی شادی هستند. اگر کسی شادمان و مغرور بود، باید حقایق به او گوشزد شود تا از غرورش کاسته گردد. او نیز باید پند را غنیمت بشمارد و عقلانیت و اخلاق را پیشه‌ی خود سازد. شیوه‌ی برخورد درست با شادی دیگران بسیار مهم است و یکی از اصول اخلاق اجتماعی شادی در شادمانی مفرط اشخاص، موعظه کردن ایشان است که شایسته است به آن توجه شود. معصومان^(ع) نیز مراقبت می‌کردند تا پیروانشان از مسیر ارزش‌های اخلاقی منحرف نگردند و در صورت مشاهده‌ی انحرافی، تذکر می‌دادند (داودی، ۱۳۸۹، ۲۶۷). روش‌های تربیتی اغماض و چشم‌پوشی، تذکر دادن، فشار اجتماعی، تهدید، قطع رابطه و تنبیه در سیره‌ی تربیتی اولیای دین به‌منظور برخورد با رفتارهای ناشایست وجود داشته است.

چنانچه شادی از چارچوب اعتدال خارج شود، بی‌تردید اعضای اجتماع نسبت به آن وظایفی بر عهده دارند. این اصل ذیل قانون کلی امر به معروف و نهی از منکر نیز قرار می‌گیرد؛ از این‌رو، قرآن کریم، افراد را در برخورد با این پدیده دو دسته دانسته است: گروهی از افراد با مشاهده‌ی شادی ناسالم دیگران، حسرت آن را در دل قرار می‌دهند. «قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۹). اینان به سبب تعلق خاطر به زندگی دنیا، ثروت قارون را آرزو می‌کنند؛ زیرا او را خوشحال می‌بینند؛ گروهی دیگر سعی در هدایت آنان و بازداری از شادی ناسالم دارند: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (همان: ۸۰). این آیه درس‌آموز انسان‌های خداشناس است که در برابر شادمانی دنیابرستان به ایشان هشدار بدهند و آنان را به سوی شادی‌های آخرت‌گرایانه و ایمان و عمل صالح هدایت کنند؛ در نتیجه، شنیدن و پذیرش موعظه‌ی خیرخواهان از دیگر هنجارهای شادی است که قرآن و روایات به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن‌ها اشاره دارند.

نتیجه‌گیری

حوزه‌ی اخلاق شادی یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی و مسائل اخلاق هنجاری است. هنجارشناسی اجتماعی یکی از مباحث این حوزه است که با روش توصیفی-تحلیلی، هدف این تحقیق واقع شد. در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده شد که کدام هنجارهای اجتماعی در اخلاق شادی اسلام وجود دارد. دادگری یکی از هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی است؛ یعنی فرد به هنگام شادی باید با دیگران به عدالت رفتار کند و دیگران از دست و زبان و رفتار او در امان باشند. نیکی کردن از دیگر هنجارهای اجتماعی است. نیکی کردن و بخشش مالی و غیره سبب شاد شدن خود فرد و فرد مقابل می‌شود و آرامش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. شاد کردن دیگران نیز از دیگر هنجارهاست که قرآن و روایات به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر آن تأکید دارند. سپاس‌گزاری از فرد شادکننده نیز از دیگر عوامل هنجارهای شادی به‌شمار می‌آید تشکر از فرد

نیکوکار معادل تشکر از خداوند است و هم کار نیک و هم تشکر از آن، شادی آفرین و از بایسته‌های هنجار شادی است. تواضع و وقار نیز مانع از انجام رفتارهای ناپسند به هنگام شادی می‌شود. موعظه‌پذیری از خیرخواهان نیز از دیگر اخلاق شادی است. نپذیرفتن موعظه از خیرخواهان باعث افتادن انسان در مسائل شر و خطرناک می‌شود که قرآن از این کار نهی کرده است و به مؤمنان توصیه می‌کند که موعظه خیرخواهان را در همه حال پذیرا باشند و ضرورت دارد که این صفات در فرد ایجاد و تقویت شود تا به هنگام شادی افراد، رفتارهای سوء و ناپسند نداشته باشند و شادی اجتماعی همگانی را به وجود بیاورند.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی؛ أمالی شیخ صدوق؛ ترجمه‌ی محمد باقر کمره ای؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- _____؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ چاپ دوم، قم: ، ۱۴۰۴ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ شرح آقا جمال خوانساری؛ قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جعفری تریزی، محمد تقی؛ تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی؛ ۱۴ جلد، چاپ دوازدهم، تهران: اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- حسین پور نجار، فرزانه و همکاران، اثربخشی «نظریه‌ی شادکامی اسلامی» بر شادی زنان متأهل شهر اصفهان، پژوهش‌نامه حکمت اهل بیت علیهم السلام، زمستان ۱۳۹۲، سال اول، شماره ۱.
- داودی، محمد و همکاران؛ سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیره نبوی «منطق عملی»؛ ۴ جلد، چاپ دوم، تهران: دریا، ۱۳۸۳ ش.
- دهقان، علی و همکاران؛ «شادی‌گرایی و جنبه‌های تعلیمی آن در غزلیات شمس»؛ ادبیات تعلیمی، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۹۱ ش.
- ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
- شاملی، عباسعلی؛ مجموعه مقالات تربیت اخلاقی (پیش فرض‌ها و چالش‌ها)؛ قم: معارف، ۱۳۸۶ ش.
- شبر، عبدالله؛ اخلاق؛ چاپ چهارم، قم: هجرت، ۱۳۷۸ ش.
- شریفی، احمد حسین؛ آیین زندگی (اخلاق کاربردی)؛ قم: معارف، ۱۳۸۹ ش.
- شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ قم: ، ۱۴۱۴ ق.
- صادقی حسن‌آبادی، مجید؛ «غم و شادی در تجربه دینی مولوی»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره‌ی ۴۹، ۱۳۸۶ ش.
- ضرابی، عبدالرضا؛ مجموعه مقالات تربیتی (تربیت دینی، اخلاقی، عاطفی)؛ قم: موسسه امام خمینی (ه)، ۱۳۸۸ ش.
- طوسی، محمد بن الحسن؛ الأمالی؛ قم، ۱۴۱۴ ق.
- علیان‌سب و همکاران؛ «اصول اخلاقی شادی از دیدگاه آیات و روایات»؛ اخلاق زیستی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۵ ش.
- _____؛ «آسیب‌های اخلاقی شادی از منظر قرآن»؛ کنفرانس مطالعات فرهنگی اجتماعی و پژوهش‌های قرآن و حدیث، تهران، ۱۳۹۶ ش.
- فعالی، محمد تقی؛ «نقد دینی فلسفی بر مؤلفه شادی در معنویت‌های نوظهور»؛ فلسفه دین، شماره‌ی ۱۶، ۱۳۸۹ ش.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ راه روشن، ترجمه‌ی کتاب المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء؛ ۸ جلد، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۲ ش.
- قمی، شیخ عباس؛ منتهی الآمال؛ قم: پیام مقدس، ۱۳۹۳ ش.

- کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول الکافی؛ چاپ چهارم، تهران: ۱۴۰۷ ق.
- گلزاری، محمود؛ یثربی، سید یحیی؛ صادقی، محمود؛ «دین خاستگاه شادی‌های پایدار»؛ کتاب زنان، شماره‌ی ۱۳، ۱۳۸۹ ش.
- لیثی واسطی، علی‌بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ قم: ۱۳۷۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تهران: ۱۳۶۴ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ نگارش محمدحسین اسکندری؛ قم: موسسه امام خمینی^(س)، ۱۳۹۱ ش.
- مفید، محمدبن نعمان؛ الامالی؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
- میالاره، گاستون؛ معنی و حدود علوم تربیتی؛ ترجمه‌ی علی محمد کاردان؛ چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
- نراقی، محمد مهدی؛ گزیده جامع السعادات؛ تحقیق: جلال‌الدین مجتبوی؛ تهران: حکمت، ۱۳۹۰ ش.
- _____؛ جامع السعادات؛ نجف: مطبعه الزهرا، ۱۳۶۸ ش.